



خلاصه ای از بحث ها و توصیه ها

سلسله کنفرانس های دیالوگ ملی مرکز دیالوگ و ترقی-ژنو؛
نقش جامعه مدنی و نیروهای دموکراتیک در آینده افغانستان

۲۶ - ۲۷ می، انتالیا - ترکیه



IV CDP-G Conference on Afghanistan

**National Dialogue on the Role of Civil Society and
Democratic Forces in the Future of Afghanistan**

26-27 May, 2025 Antalya, Türkiye

خلاصه مباحث

چهارمین کنفرانس دیالوگ ملی (پروسه انتالیا) – در مورد نقش جامعه مدنی و نیروهای دموکراتیک در آینده افغانستان

افغانستان در دوران گذار، گسترش رقابت ها و نبود اجماع

زمان: 26 و 27 می

2025 مکان: آنتالیا،

ترکیه

چهارمین دور نشست دیالوگ ملی و ترقی جینوا روی موضوع نقش جامعه مدنی و نیروهای دموکراتیک در آینده افغانستان با حضور بیش از 60 تن از فعالان سیاسی، مدنی، دانشگاهی، رسانه‌ای، زنان، جوانان و تحلیل گران از داخل و خارج افغانستان در شهر آنتالیا ترکیه برگزار گردید. هدف این دور، ارزیابی تحولات جاری کشور، تحلیل روند دوحه و طرح «موزائیک»، بازاندیشی قانون اساسی و قانون مندی در نظام طالبان و همچنین تقویت سازوکارهای بدیل برای مشارکت دموکراتیک و تعریف راهبردهای هماهنگ در مواجهه با بحران مشروعیت سیاسی و اجتماعی در افغانستان بود.

به باور اشتراک کننده ها در شرایط بحرانی و پیچیده افغانستان امروز، که حاکمیت سرکوب گرانه، انحصار سیاسی و حذف ساختارهای قانونی و مشارکتی بر فضای کشور سایه افکنده است، دیالوگ ملی به عنوان یکی از محدود ابزارهای ممکن برای بازسازی اعتماد، تقویت همبستگی اجتماعی و تولید راه حل های بدیل، اهمیت حیاتی یافته است. گفت وگوهای آزاد و مسئولانه، نه تنها به نیروهای دموکراتیک امکان می دهد تا از تجارب گذشته عبرت گرفته و آینده ای واقع بینانه تر ترسیم کنند، بلکه بستری فراهم می سازد برای هم فکری، هم افزایی و شکل دهی به یک روایت ملی مشترک در برابر بحران های کنونی. نشست چهارم دیالوگ ملی که توسط مرکز دیالوگ و ترقی جینوا برگزار گردیده بود در همین راستا تلاش نمود تا صدای نیروهای حذف شده، به ویژه زنان، جامعه مدنی، و نسل جوان را در سطح ملی و بین المللی بازتاب داده، و زمینه ای برای شکل گیری بدیل دموکراتیک و مشارکتی در آینده افغانستان فراهم سازد.

در سخنرانی های افتتاحیه

- بر ضرورت تداوم دیالوگ های ملی میان شهروندان افغانستان در فضای امن و آزاد تأکید شد؛
- نیاز به بازسازی اعتماد ملی و تقویت همبستگی میان نیروهای متکثر جامعه افغانستان برجسته گردید؛
- چارچوب موزائیک یا نقشه راه سازمان ملل متحد غیر واقع بینانه، یکطرفه و و بیشتر به نفع طالبان معرفی شد و ایجاد صدای واحد برای تغییر و بازنگری آن ضروری دانسته شد؛
- تأسیس و فعالیت شبکه نیروهای مدنی و دموکراتیک و گروه های کاری تخصصی به عنوان راهی برای انسجام صدای جامعه مدنی مورد بحث. حمایت قرار گرفت.

جلسه اول

چارچوب ملل متحد (MOSAIC) و روند دوحه

محور اصلی: نقد ساختاری و محتوایی طرح «موزائیک» و ارزیابی روندهای بین المللی مرتبط با آینده سیاسی افغانستان.

نکات کلیدی و دیدگاه های مطرح شده

- طرح «موزائیک» غیر شفاف، مبهم و فاقد مشورت معنادار با جامعه مدنی و نیروهای دموکراتیک است؛
- این طرح بیش از آنکه بازتاب دهنده خواست های مردم باشد، با رویکردی برای عادی سازی طالبان همسو تلقی می شود؛
- نادیده گرفتن ارزش های بنیادین حقوق بشری و شمولیت سیاسی، غیبت رویکردهای تضمین کننده حقوق زنان، اقلیت ها و عدالت انتقالی یکی از نقاط ضعف بنیادین این طرح شمرده شد.

- برخی تحلی لگران آنچه از این طرح به بیرون داده شده را حتی در تناقص با اصول قبول شده بین المللی، کنوانسیون های حقوق بشری دانستند و آن را تهدیدی برای مشروعیت بین المللی خواندند.

پیشنهادهات

- 1- بازنگری کامل یا ارائه بدیل ملی به جای طرح موزائیک؛
- 2- تقویت مشارکت مستقل نیروهای دموکراتیک در سطح بین المللی؛
- 3- تدوین نقشه راه مشارکت محور با محوریت جامعه افغانستان؛
- 4- برجسته سازی نقش نسل جوان و زنان به عنوان عامل کلیدی تحول.

جلسه دوم

سایر "جوانب ذی نفع داخلی" چه کسانی اند؟

بحث محوری: بازتعریف جوانب ذی نفع واقعی در فضای سیاسی بحران زده افغانستان

شماری زیادی از اشتراک کننده ها یادآور شدند که جامعه مدنی افغانستان خود نیازمند بازتعریف است. برداشت های سطحی و گاه وابسته ساز از جامعه مدنی آن را از نقش واقعی اش یعنی نمایندگی مردم و دفاع از حقوق اساسی منحرف کرده است. تأکید شد که جامعه مدنی نباید صرفاً به بازوی پروژه های غربی تقلیل یابد بلکه باید خود را با محوریت دموکراسی اجتماعی و اقتصادی و عدالت توزیعی تعریف کند.

نکات کلیدی و دیدگاه های مطرح شده

- طالبان فاقد پایگاه مشروع مردمی بوده و نمی توانند تنها بازیگر سیاسی افغانستان تلقی شوند؛
- نیروهای حذف شده نظیر زنان، اقلیت ها، جامعه مدنی و جوانان باید به عنوان ذی نفعان محوری تعریف شوند؛
- جامعه مدنی نیازمند بازتعریف هویتی و فاصله گیری از وابستگی ابزاری به پروژه های خارجی است؛
- پلاتفرم هایی مانند سلسله نشست های گفت و گوی ملی، شبکه نیروهای مدنی و دموکراتیک افغانستان، و ابتکارات مشابه، نشان می دهند که جامعه مدنی افغانستان این ظرفیت را دارد که گرد هم آید و در هر روند سیاسی نقش معنادار ایفا کند، مشروط بر آن که اراده سیاسی لازم وجود داشته باشد؛
- طالبان، جریان سیاسی یا مصیبت تاریخی؛ چند تن از اشتراک کننده ها با قاطعیت طالبان را یک روند سیاسی مشروع ندانسته و آنان را (مصیبت بزرگ قرن برای افغانستان و منطقه) تلقی می کردند. به باور آنان مذاکره معنی دار با طالبان به عنوان راه حل یک توهم خطرناک است. تأکید شد که جامعه جهانی باید از تلاش برای عادی سازی طالبان بپرهیزد زیرا این گروه نه قابلیت سازش دارد و نه باور به حقوق انسانی.
- هویت، قومیت و بازنمایی سیاسی؛ بحث بر سر نقش قومیت در بحران قدرت نیز یکی از محورهای کلیدی این نشست بود. در حالی که برخی طالبان را بازتاب ساختار درونی جامعه می دانند، دیگران تأکید داشتند که قوم محوری در ساخت قدرت همواره مانعی برای وحدت ملی و مشارکت واقعی بوده است. پیشنهاد شد که به جای قوم گرایی، باید به توزیع عادلانه قدرت بر اساس ظرفیت های اجتماعی و جغرافیایی اندیشید.
- زنان؛ قربانیان خاموش و مقاومت های روشن وضعیت زنان یکی از جدی ترین دغدغه ها بود. سخنرانان با اشاره به سرکوب گسترده زنان توسط طالبان، خواهان برجسته سازی صدای مقاومت آنان شدند. زنان نه تنها قربانی، بلکه بازیگرانی توانمند در روند تحول اند که باید در تمام سطوح تصمیم گیری نقش محوری داشته باشند.
- مسئولیت پذیری سیاسی و بازاندیشی در روندها تجربه تلخ سقوط جمهوریت، به عنوان نتیجه خودخواهی، فساد و تمرکز قدرت توسط گروهی اندک، نیاز به بازخوانی و مسئولیت پذیری جمعی دارد. نشست تأکید کرد که نباید گذشته فراموش شود و برای ایجاد ساختارهای جدید باید بر عبرت آموزی از ناکامی های پیشین تکیه کرد.

پیشنهادهات

- 1- شناسایی و تقویت ذی نفعان واقعی؛
- 2- ایجاد چارچوب مشارکتی و قرارداد اجتماعی میان مردم افغانستان؛
- 3- رد مشروعیت بخشی به طالبان؛
- 4- عبرت آموزی از سقوط جمهوریت؛
- 5- اتکا بر توان داخلی و خودباوری؛
- 6- تقویت روایت سیاسی بدیل برای اجماع سازی داخلی منطقی و بین المللی.
- 7- جامعه مدنی؛ از بحران هویت گذر نموده و به محور تحول تبدیل گردد؛

جلسه سوم

بازتصور قانون (اساسی) گرای و حاکمیت قانون؛ رونمایی از نخستین گزارش پالیسی-تحقیقی در مورد وضعیت قانون اساسی و حاکمیت قانون پس از 15 آگست 2021 در افغانستان.

در چهارمین دور نشست، گزارش جامع و تحلیلی درباره وضعیت قانون اساسی، ساختار سیاسی و نهادهای قضایی پس از تسلط طالبان، توسط تیم تحقیقاتی متشکل از استاید و متخصصین گروه تخصصی حقوق اساسی مرکز دیالوگ و ترقی - جنیوا، هریک دکتر هارون معتصم، دکتر لطف الرحمن سعید، دکتر شمشاد پسرلی و آقای شعیب تیموری ارائه گردید.

یافته های تحقیق

- 1- حذف مفهوم قبول شده قانون اساسی در نظام طالبانی؛
- 2- فروپاشی قوای سه گانه (چک و بلانس) و نبود چارچوب حقوقی مشروع؛
- 3- عملکرد استبدادی و غیرمسلمی نهادهای عدلی - قضایی و پولیس طالبان؛
- 4- استفاده ابزاری از فقه حنفی برای مشروع سازی سرکوب و حذف مردم از فرآیند قانون گذاری؛
- 5- ارایه مثال های تاریخی از جایگاه قانون اساسی در شریعت اسلامی در ادوار مختلف و ضرورت وجود آن
- 6- نبود شفافیت، استقلال، عدالت و معیارهای حقوقی در محاکم طالبان باعث عدم اعتماد و اطمینان در تمامی عرصه به شمول سرمایه گذاری ها مهم شده است

اهمیت گزارش:

نخستین سند مستند و علمی با رویکرد تحلیل حقوق اساسی تحت سلطه طالبان است که می تواند مبنای سیاست گذاری های بین المللی و تحلیل های آکادمیک قرار گیرد.

جلسه چهارم

روایت های غالب، روایت های بدیل و اطلاعات نادرست در رسانه های افغانستان
هدف نشست؛ تحلیل وضعیت رسانه ها در افغانستان تحت سلطه طالبان و بررسی چالش ها و راهکارهای تقویت روایت بدیل.

نشست چهارم با تمرکز بر وضعیت رسانه ها در افغانستان پس از تحولات سیاسی اخیر برگزار شد. هدف این نشست بررسی ابعاد سانسور، سیاست گذاری رسانه ای طالبان، نقش روایت های مسلط و بدیل و استفاده از رسانه ها برای تحریف واقعیت بود. همچنان چگونگی عملکرد خبرنگاران در داخل و خارج کشور، وضعیت رسانه های تبعیدی و ابزارهای جدید تولید محتوا نیز مورد توجه قرار گرفت.

نکات کلیدی و دیدگاه های مطرح شده

- وضعیت کنونی رسانه ها در افغانستان با محدودیت ها و سانسور شدید همراه است. خبرنگاران در معرض فشارهای نهادهایی مانند «امر بالمعروف» و استخبارات قرار دارند. بسیاری از آن ها مورد تهدید، بازداشت و خشونت یا اجبار به سکوت شده اند؛
- طالبان خطوط سرخ سخت گیرانه ای برای رسانه ها تعیین کرده اند. رسانه ها مجبورند تنها روایت های رسمی طالبان را پوشش دهند، در غیر آن صورت با پیگرد و توقف فعالیت مواجه می شوند؛
- شماری از رسانه ها که امکان تطبیق با این شرایط را نداشتند، فعالیت خود را متوقف کرده اند. برخی دیگر به بیرون از افغانستان کوچ کرده و در قالب رسانه های تبعیدی به کار خود ادامه می دهند، هرچند که آنان نیز با چالش های فنی، سیاسی و مالی مواجه اند؛
- طالبان تلاش دارند از رسانه ها، یوتیوب ها و شبکه های اجتماعی برای نمایش مصنوعی نظم، رضایت عمومی و مشروعیت شان استفاده کنند. این وضعیت، به تدریج فضای رسانه ای را به ابزاری تبلیغاتی تبدیل کرده است؛
- رسانه های فعال در گذشته به چند گروه تقسیم می شدند: رسانه های حرفه ای که در پی بیدار سازی جامعه بودند، رسانه های حزبی که با اهداف سیاسی مشخص عمل می کردند و رسانه های تجاری که بیشتر در پی سود اقتصادی بودند. این تنوع، هم نقطه قوت و هم منبع اختلاف نظر در روایت ها بود؛

- در حال حاضر، بیشتر رسانه‌های باقی مانده در داخل افغانستان مجبوراً به بلندگوی نظام طالبانی بدل شده‌اند. روایت‌هایی چون موفقیت‌های اقتصادی، حمایت مردمی و ثبات امنیتی به شکلی اغراق‌آمیز بازتاب داده می‌شود، در حالی که مشکلات واقعی مانند فقر، گرسنگی و سرکوب نادیده گرفته می‌شوند؛
- شمار زیادی از خبرنگاران حرفه‌ای یا مجبور به مهاجرت شده‌اند یا شغل خود را تغییر داده‌اند. جایگاه رسانه به عنوان ابزار عدالت‌خواهی و نقد اجتماعی به تدریج تضعیف شده است؛
- برخی رسانه‌های مستقر در بیرون از افغانستان نیز وابسته به جریان‌های سیاسی یا نهادهای مذهبی‌اند و گاه روایت‌هایی ارائه می‌کنند که واقعیت‌جامعه‌را نمایندگی نمی‌کنند بلکه بیشتر بازتاب‌دهنده مواضع ایدئولوژیک‌اند؛
- دسترسی آزاد به اطلاعات به شدت محدود شده است. فهرست‌های رسمی برای تعیین کارشناسان مورد تأیید رسانه‌ها، نمونه‌ای از کنترل ساختاریافته جریان اطلاعات در کشور است.

پیشنهادهای

- 1- رسانه‌ها در افغانستان امروز در موقعیت بحرانی قرار دارند و نیازمند حمایت بین‌المللی فوری‌اند؛ چه در داخل کشور و چه در تبعید؛
- 2- تولید روایت‌های بدیل که واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی افغانستان را بدون اغراق و سانسور بازتاب دهد، یک ضرورت است؛ و این موارد به عنوان روایت‌های بدیل مطرح شد: نشر مقالات در رسانه‌های بین‌المللی و انتقال دانش به بیرون؛ بررسی کارشناسانه گزارش‌های نشر شده.
- 3- باید میان رسانه‌های آزاد، حرفه‌ای و غیر وابسته در داخل و خارج کشور، همکاری و شبکه‌سازی هدفمند شکل گیرد؛
- 4- جامعه جهانی و نهادهای حامی آزادی بیان باید طالبان را بابت نقض آزادی رسانه‌ها و سرکوب خبرنگاران تحت فشار قرار دهند؛
- 5- توانمندسازی خبرنگاران جوان، آموزش برای مقابله با اطلاعات نادرست و فراهم سازی فضای امن برای کار رسانه‌ای حرفه‌ای از گام‌های اساسی در بازسازی چشم و گوش جامعه افغانستان است.

جلسه پنجم؛

همسویی با قطعنامه 2721 شورای امنیت و ارزیابی مستقل سازمان ملل متحد

موضوع بحث: بررسی چگونگی تعامل با نهاد‌های مدنی با میکانیسم‌های بین‌المللی و نقش نهاد‌های جامعه مدنی در شکل‌دهی پالیسی‌ها.

زمینه و هدف جلسه

این جلسه با هدف بررسی جایگاه و ظرفیت نهادهای جامعه مدنی افغانستان در تعامل با سازوکارهای بین‌المللی برگزار شد. نقطه تمرکز اصلی، قطعنامه ۲۷۲۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن بود. بحث‌هایی در مورد فرصت‌های پیش‌رو در سال ۵۲۰۲، شرایط عبوری افغانستان و چگونگی تقویت صدای نیروهای مدنی در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز مطرح گردید.

نکات کلیدی و دیدگاه‌های مطرح شده

- تحولات سریع جهانی و کمرنگ شدن اولویت افغانستان از جمله چالش‌های مهمی عنوان شد که نیروهای مدنی و سیاسی باید با آن روبه‌رو شوند. تأکید شد که توجه صرف به گذشته کافی نیست و باید در قالب یک نیروی میدانی منسجم در روندهای در حال تغییر جهان حضور فعال داشت؛
- تحلیل روند نشست دوحه و نقش آن در سیاست‌گذاری بین‌المللی برجسته گردید. بر اساس تحلیل‌ها، معرفی نماینده ویژه سازمان ملل برای افغانستان یکی از پیشنهاد‌های کلیدی بوده است؛ اما به دلیل تحولات سیاسی و سبوت‌اثر روندها در گذشته، این ابتکارها به نتیجه نرسیده‌اند. تلاش‌ها برای انتقال گفتمان از دوحه به استانبول نیز بخشی از این مسیر بوده‌اند.

چالش‌های منطقه‌ای و روایت‌های غالب

- قطعنامه‌های صادر شده پس از سقوط جمهوری اسلامی افغانستان نتوانسته‌اند حمایت هم‌زمان بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را به دست آورند. کشورهای منطقه در مقاطع مختلف، طالبان را به عنوان ابزاری برای تضعیف نفوذ آمریکا در نظر

گرفته اند. از دیدگاه ها چنین برمی آید که نگاه به توافق دوحه نیز در میان بازیگران منطقه ای، دوگانه و مبتنی بر منافع رقابتی بوده است؛

- ضعف انسجام نیروهای مخالف طالبان در سه سال گذشته نیز از جمله عوامل ناکامی در جلب حمایت بین المللی برشمرده شد. در عین حال، تأکید گردید که یکی از برگ های برنده جامعه مدنی، توانایی در به چالش کشیدن روایت طالبان در نگاه منطقه ای است و این امر نیازمند دیپلماسی فعال و گفتگوی مستقیم با کشورهای همسایه است.
- یکی از نکات برجسته این پل، لزوم درک زبان سیاسی جامعه جهانی و تعامل مؤثر با نهادهایی چون شورای امنیت و یوناما بود. برای اثرگذاری در سازوکارهای بین المللی، جامعه مدنی افغانستان باید به زبان حقوق بشر، دموکراسی و کنشگری سازنده تسلط یابد؛
- تأکید شد که اگر بی تفاوتی نسبت به تحولات بین المللی ادامه یابد، افغانستان به تدریج از دستور کار جهانی خارج خواهد شد. در مقابل، می توان با تدوین گفتمان مؤثر، توجه بازیگران جهانی را دوباره به سوی مسئله افغانستان جلب کرد؛
- مشارکت فعال در بازتعریف مفاهیم، ایجاد شبکه های همکاری و تولید محتوا و اسناد پالیسی به عنوان راه های عملی تأثیرگذاری بر نظام بین الملل معرفی شد؛
- در عین حال، اشاره شد که طرح موزائیک اگرچه نقش یوناما را تقویت کرده است، اما در نزد مردم افغانستان اعتماد لازم را ایجاد نکرده و همکاری با یوناما، به تنهایی نمی تواند افغانستان را از این مرحله عبور دهد.

پیشنهادهای

- 1- پیگیری مجدد معرفی نماینده ویژه سازمان ملل برای صلح در افغانستان، مطابق تحلیل ها و پیشنهادهای ارائه شده در تحلیل های منطقه ای؛
- 2- تعریف مجدد از نقش جامعه مدنی در سطح بین المللی با تأکید بر تقاطع حقوق بشر و منافع ژئوپلیتیکی جهانی؛
- 3- ایجاد گفتمان منطقه ای مبتنی بر واقعیت های افغانستان که از سوی نیروهای مدنی مدیریت و هدایت شود؛
- 4- استفاده از سازوکارهای موجود به عنوان فرصت سیاسی برای احیای صدای مردم افغانستان در مجامع جهانی؛
- 5- تأکید بر تولید دانش، تحلیل، و روایت جایگزین برای مقابله با انحصار روایی طالبان و بازسازی اعتماد بین المللی نسبت به نیروهای بدیل.

تشکیل کمیته های تخنیکی تخصصی برای راه حل سازی میان مدت

در پایان نشست، اشتراک کنندگان به منظور تداوم کار تخصصی، تحلیل ساختاری و ارائه راه حل های عملی برای آینده افغانستان، تشکیل چهار کمیته تخنیکی را ایجاد نمودند. این کمیته ها به گونه ای طراحی شده اند که هرکدام حوزه ای کلیدی از چالش های امروز و آینده کشور را پوشش داده و زمینه ساز تدوین بدیل های کارشناسانه و قابل اجرا باشند:

- 1- کمیته رسانه ها: مسئول تحلیل سیاست های رسانه ای طالبان، شناسایی الگوهای سانسور و کنترل اطلاعات، بازسازی روایت های بدیل از وضعیت افغانستان، و تدوین استراتژی های ارتباطی مؤثر در سطح ملی و بین المللی؛
- 2- کمیته صلح، دموکراسی و حکومت داری خوب: مأمور تحلیل ناکامی های نظام جمهوری، بررسی ساختارهای بدیل حاکمیتی، و ارائه پیشنهادهایی برای بازسازی مدل حکمرانی مشارکتی، فراگیر و دموکراتیک در افغانستان؛
- 3- کمیته ارتقای ظرفیت سازمانی و مشارکت عمومی: تمرکز بر طراحی برنامه های آموزشی، آگاهی بخشی سیاسی و اجتماعی، و تقویت نهادهای مدنی و شبکه های محلی برای گسترش مشارکت آگاهانه و پایدار شهروندان در فرایندهای تصمیم گیری؛
- 4- کمیته جندر و حقوق بشر: مسئول تحلیل حقوقی و ساختاری وضعیت حقوق بشر، بررسی تجربه های موفق در کشورهای بحران زده، و دادخواهی برای تامین حقوق زنان، اقلیت ها، پاسخگوسازی ناقضین حقوق بشری و تامین عدالت در آینده افغانستان.

این کمیته ها موظف بودند پلان های عملی برای ۶ ماه آینده ترتیب داده، گزارش ها و نقشه راه تخنیکی، معقول و واقع بینانه ارائه نمایند که بتواند مبنای فکری و عملی برای گفت وگوهای داخلی و تعامل بین المللی قرار گیرد.

در پایان؛ چهارمین دور دیالوگ ملی و ترقی جینوا به عنوان یک حرکت مستقل، علمی و میان نیروهای دموکراتیک و مدنی افغانستان، بار دیگر ضرورت تدوین روایتی ملی، مشارکتی و بدیل در برابر نسخه های تحمیلی و ساختارهای استبدادی را برجسته ساخت. این نشست ضمن غیر واقع بینانه شمردن چارچوب موزائیک و تشدید خشونت طالبان علیه زنان، کودکان و اقلیت های قومی و مذهبی؛ بر مسئولیت پذیری نیروهای دموکراتیک، تقویت انسجام راهبردی، و بازتعریف تعامل با جامعه جهانی از موضع "شریک برابر" تأکید نمود. تلاش برای تداوم این دیالوگ و عملی سازی پیشنهادات، گامی مهم در مسیر بازسازی یک افغانستان عادلانه، دموکراتیک و مشارکتی خواهد بود.